



# آسیب شناسی راهکارهای تقریب مذاهب و وحدت اسلامی

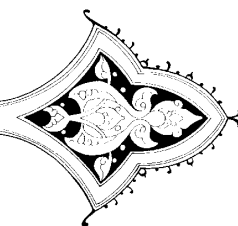
بهنام دارابی

دانشجوی کارشناسی فقه و حقوق امامیه ورودی ۸۶ دانشگاه مذاهب اسلامی      darabibehnam@ymail.com

## چکیده

این مقاله با بررسی آراء و اقدامات مصلحان جهان اسلام و پیشگامان تقریب مذاهب و وحدت اسلامی، در نظر دارد تا راهکارهای موجود در مسئله تقریب مذاهب اسلامی را ارائه نماید و آسیبها و آفتهای احتمالی را مورد کاوش قرار دهد. این راهکارها پیرامون سه محور وضعیت مسلمانان، مشترکات و اختلافات به وجود آمده‌اند.

کلیدواژه‌ها: تقریب مذاهب، وحدت اسلامی، اختلاف، راهکار، آسیب شناسی.



## مقدمه

ضرورت وحدت و پرهیز از اختلاف، برای سربلندی امتها، بر هیچ کس پوشیده نیست. سعادت و شقاوت ملتها در گرو وحدت یا تفرقه آنان است و همواره در طول تاریخ، آن ملتی سعادتمند بوده است که مردم آن با هم برادر باشند و هرگاه به سوی جدایی حرکت کرده‌اند، به همان اندازه از سعادت فاصله گرفته‌اند.

قرآن کریم به عنوان برنامه سعادت بشری، از این مهم پرده برمی‌دارد و الفت و برادری را نعمت و جدایی و تفرقه را عذاب می‌داند (۱) و گاه اهمیت آن را با توحید می‌سنجد. هارون (ع) در جواب موسی (ع) که از سکوتش در برابر گوساله پرستی بنی اسرائیل شکایت می‌کند، می‌گوید: «... ای فرزند مادرم! ریش و سر مرا مگیر؛ من ترسیدم بگویی تو میان بنی اسرائیل تفرقه انداختی، و سفارش مرا به کار نیستی.» (۲)

این تأکید اسلام و اهمیت مسئله موجب شد تا از صدر اسلام همواره ائمه اهل بیت (ع) و عالمان و خیر خواهان جهان اسلام، به این امر بیندیشند و در صدد حل این مشکل برآیند و به روشنگری بپردازند. اما اهمیت این مسئله زمانی آشکارتر گردید که مسلمانان، عظمت و تمدن بزرگ خود را از دست دادند و دست استعمار و استبداد گلوی آنان را فشرد، بنابراین بعد از سالها غفلت، مصلحانی ظهور کردند که در صدد بیداری اسلامی برآمدند.

از جمله این مصلحان عبارتند از: سید جمال‌الدین اسدآبادی که او را پیشگام وحدت اسلامی در عصر جدید خوانده‌اند (۳) و شاگردش، شیخ محمد عبده که به کمک علامه شیخ محمد تقی قمی، دارالتقرب مصر را تأسیس کرد. (۴) لازم به ذکر است که این حرکت، از سوی رهبر انقلاب اسلامی ایران امام خمینی (ره) و یارانش نیز دنبال شد.

آیت الله جوادی آملی برای رفع اختلافها به نقل از قرآن و نهج البلاغه می‌گوید: اصول پیوند به دست کسی است که این دلها را آفرید. خدای سبحان به نبی اکرم فرمود: «وَأَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفَتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»، (۵) تو اگر بخواهی همه ذخایر زمین را توزیع کنی تا مردم را متحد کنی، تازه اول اختلاف آنهاست. خداست که «الف بین قلوبهم». هرگز ماده، آن توان را ندارد که دلها را به هم مرتبط کند ... امیرالمؤمنین علی (ع) به ابوموسی فرمود: «... فانما أنتم اخوان فی دین الله ما فرّق بینکم إلا خبث سرائر و سوء الضمائر» (۶) برای اینکه بفهمید عامل اختلاف چیست، درون خود را بشکافید تا ببینید که بد طبیعتی عامل اختلاف

است. مقام خواهی و سوء ضمیر عامل اختلاف است ... اگر آدم خوبی باشید، یکی می‌شوید. (۷)

با یک نگاه دقیق در اقدامات مصلحان، می‌توان دریافت که با تأکید بر سه نقطه وضعیت مسلمانان، مشترکات و اختلافات، سه راهکار در مورد تقریب مذاهب و وحدت مطرح شده است. لازم به ذکر است که این مقاله ناظر به تئوریهای تقریب و وحدت نیست؛ بلکه سعی دارد تا با ارائه گزارشی از راهکارهای موجود، به شناسایی هریک و آسیبهای احتمالی آنها بپردازد.

## راهکار اول: توجه به وضعیّت مسلمانان

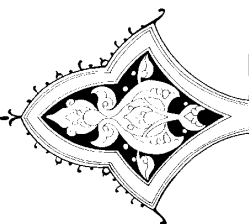
این روش بنا بر نظر گرفتن وضعیت جهان اسلام، منابع، جغرافیای استراتژیک و جمعیت مسلمانان، داشته‌های آنها را گوشزد می‌کند و جایگاه کنونی را می‌نماید تا اینکه مسلمانان بدانند چه عواملی باعث عقب‌ماندگی آنها شده است.

نقطه توجه در این روش، تهدید و خصم مشترک و بسیج نیروها در مقابل آن، است.

قرآن کریم در سه آیه ۱۵۲ سوره آل عمران و ۴۳ و ۴۶ سوره انفال، فشل و نزاع را با هم آورده است که در آیه ۴۶ سوره انفال، صراحتاً فشل را نتیجه نزاع می‌داند و از آن نهی می‌کند: «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ...» (۸) «و فرمان خدا و پیامبرش را اطاعت نمایید و نزاع نکنید، که سست می‌شوید و قدرت شما از میان برود».

قرآن می‌فرماید: از پراکندگی و نزاع پرهیزید؛ زیرا کشمکش، نزاع و اختلاف در برابر دشمن، نخستین اثرش سستی، ناتوانی و ضعف در مبارزه است و نتیجه این سستی، از میان رفتن قدرت، قوت و هیبت شما است. (۹)

امیرالمؤمنین علی (ع) نیز خطاب به کوفیان می‌فرماید: «دژ محکم الهی را درهم شکستید، در حالی که خداوند بر این ائمت بر «وحدت و برادری» منت گذارده بود که در سایه آن زندگی کنند ... بدانید که پس از هجرت دوباره چون اعراب بادیه‌نشین شده‌اید و پس از وحدت و برادری به احزاب گوناگون تبدیل گشته‌اید، ... گویا می‌خواهید اسلام را واژگون و پرده حرمتش را پاره کنید و پیمانی را که خدا برای حفظ حرمت مسلمین در زمین و عامل امنیت و آرامش مردم قرار داد بشکنید؟ همانا اگر شما به غیر اسلام پناه ببرید کافران با شما نبرد خواهند کرد. آن‌گاه نه جبرئیل و نه میکائیل، نه مهاجر و نه انصار وجود ندارند که شما را یاری دهند.» (۱۰)



ناگفته نماند که دشمنان اسلام نیز هیچ‌گاه از این مسئله، چه در صدر اسلام و چه هم‌اکنون غافل نبوده و همواره حتی تا امروز، با توسل به همین سیاست، به استعمار مسلمانان پرداخته‌اند و به جرئت می‌توان یکی از رموز موفقیت استعمارگران را در همین مسئله دانست و حتی ادعا کرد، آنجا که شکست خورده‌اند از ناحیه وحدت مسلمانان بوده است.

به منالهای زیر توجه کنید:

۱) جنبش اصلاحی سید جمال الدین اسدآبادی: سید جمال الدین اسدآبادی (۱۲۵۴-۱۳۱۴ق) که به قول شهید مطهری، اولین کسی بود که ندای اتحاد اسلام در برابر غرب را بلند کرد، از مصلحانی بود که سراسر زندگی خویش را به مبارزه با استبداد و استعمار غرب به خصوص انگلستان پرداخت. سید با مسافرت به سراسر جهان اسلام و غرب، نه تنها به خوبی خطر اصلی مسلمانان را شناخت؛ بلکه در برابر آن به مبارزه و روشنگری پرداخت و اتحاد مسلمانان در برابر غرب را لازم می‌دانست. (۱۱)

شهید مطهری در این مورد می‌نویسد: یکی از هدفهای سید جمال، اتحاد اسلامی بود؛ یعنی می‌خواست با این تفرقه‌هایی که استبداد در طول چهارده قرن و استعمار در طول سه، چهار قرن اخیر به وجود آورده‌اند، چه تفرقه‌های به صورت مذهبی و چه تفرقه‌های به صورت ملی و چه به صورت‌های دیگر مبارزه کند. ... سید به مسلمانان هشدار می‌داد که روح صلیبی همچنان در غرب مسیحی بلاخص انگلستان، زنده و شعله‌ور است. (۱۲)

۲) جنبش انقلابی امام موسی صدر در لبنان: امام موسی صدر نیز از این روش در لبنان بهره برد. ایشان با توجه به اشغال فلسطین و جنوب لبنان توسط اسرائیل، نه تنها مسلمانان بلکه مسیحیان و یهودیان لبنان را نیز در برابر اسرائیل که تهدید مشترک آنها بود، متحد نمود و موجب پیشرفت لبنان به خصوص شیعیان آن، گردید. ایشان بسیج نیروهای مشترک را یکی از عوامل وحدت می‌دانست و خود نیز در همین راستا اقدام می‌نمود. (۱۳)

۳) انقلاب اسلامی ایران: انقلاب اسلامی ایران، یکی دیگر از موارد استفاده از این روش است که در آن شیعه و سنی دوشادوش هم، علیه خصم مشترک که حکومتی خودکامه و دست‌نشانده استعمار بود، ایستادند و در کنار هم به رهبری امام راحل به موفقیت دست یافتند.

بنیان‌گذار انقلاب اسلامی ایران، همواره در سخنان خود، بر وحدت مسلمانان، تأکید کرده است. از جمله این سخنان عبارتند از:

«مسلمین به حکم اسلام باید یّد واحد باشند که بتوانند دست اجانب و مستعمرین را از دخالت در کشور خود قطع کنند». (۱۴)

«من همواره مصرّاً خواسته‌ام که مسلمانان سراسر جهان متحد شوند، بر ضدّ دشمنانشان از جمله اسرائیل مبارزه کنند». (۱۵)

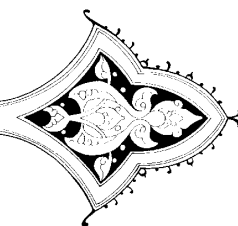
«اگر چنانچه (مسلمین) متحد شوند، هیچ‌یک از ابرقدرتها قدرت اینکه به آنها تجاوز کنند، ندارند». (۱۶)

### نقد و آسیب شناسی راهکار اول

چند آسیب مهم، این راهکار و وحدت حاصل از آن را تهدید می‌کند. اولین آسیب، عدم توجه به این نکته است که اخوت در برابر دشمن مشترک، اخوت فی الله نیست و هدفی والا محسوب نمی‌شود. شهید مطهری با ذکر حدیثی از امام صادق (ع) به این مطلب اشاره می‌کند:

امام صادق (ع) فرمود: بترس از کسی که با تو برادری و دوستی می‌کند ولی به خاطر یک طمع یا خوف و ترسی که در بین هست. گاهی عامل خوف سبب دوستی می‌شود و افراد را به خاطر یک دشمن مشترک با یکدیگر جمع می‌کند. (۱۷)

امام موسی صدر می‌نویسد: این راه (کوششهای مشترک) در شرایط استثنایی، مانند شرایط ما در لبنان، مناسب‌تر



است و سریع‌تر به نتیجه خواهد رسید. این راه، همان بسیج نیروهای مشترک در جهت تحقق هدفهای گوناگون است. راهی است که خود به خود یک دستاورد وحدت جویانه به حساب می‌آید؛ یعنی کوشش مشترک برای تلاقی دو عامل و دو هم‌رزم در یک میدان که در نتیجه آن، حسن اعتماد گسترش می‌یابد و دلها به آرامش می‌رسد و یکی از مظاهر وحدت عقیده و عواطف، خود را نشان می‌دهد. (۱۸)

وحدت در برابر دشمن مشترک، نه تنها ناپایدار است بلکه ممکن است پس از جنگ، افرادی که زیر یک پرچم بوده‌اند، به دشمن هم تبدیل شوند.

اما آنچه که باعث شد، جنبشها و قیامهای مردمی قرون اخیر، ادامه پیدا نکند و آسیب دیگر این راهکار می‌باشد، این است که توسل به این روش، زمانی اثرگذار است که خصم، آشکار باشد مانند استعمار کهنه که به چپاول و غارت آشکار ملتها می‌پرداخت. اما خصم امروز، آشکار نیست و چه بسا استعمار خود را در زیر لباس زیبای حقوق بشر و آزادی پنهان کرده است. بنابراین امروز این تبلیغات است که به جای سلاح به کار می‌رود.

اگر روزگاری بار سنگین انگلستان بر دوش مردم سنگینی می‌کرد و سید جمال و امثال او می‌توانستند ملتها را به

قیام تشویق کنند اما امروزه شیوه استعمار نو و امریکایی این نیست. امروز، رئیس جمهور امریکا جایزه صلح نوبل می‌گیرد، در دانشگاه الازهر که قلب جهان تسنن است خود را مسلمان زاده می‌خواند، از گذشته‌ها یوزش می‌طلبد و خواهان رابطه بیشتر با مسلمانان است. (۱۹) بنابراین جز کسانی که اهل بصیرت باشند، نمی‌توانند خطر این دشمن را درک کنند پس امروز وظیفه مصلحان سنگین‌تر از گذشته است؛ چراکه قبل از دعوت به وحدت و بسیج نیروها، باید به اثبات این دشمنی و خطر بپردازند. در همین راستا آیت الله عمید زنجانی در سومین کنفرانس وحدت، اولین نقش عملی انقلاب اسلامی در روند وحدت اسلامی را ملموس‌تر کردن خطر دشمن و دومین نقش آن را معرفی دشمنان می‌داند. (۲۰)

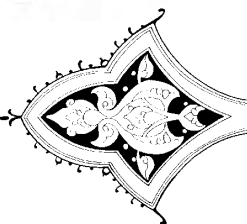
### راهکار دوم: تأکید بر مشترکات

این راهکار، به مشترکات فرق اسلامی توجه دارد و روی آن تأکید می‌کند. اصولاً توسل به مشترکات، اولین قدم هر نوع رابطه اجتماعی است. قرآن کریم خطاب به پیامبر اسلام (ص) در مورد برخورد با اهل کتاب می‌فرماید: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ...» (۲۱) «بگو: ای اهل کتاب، بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است؛ که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم؛ و بعضی از ما، بعضی دیگر را - غیر از خدای یگانه - به خدایی نپذیرد.» «... وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَأُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَإِلَهُنَا وَإِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ» (۲۲) «بگوید ما به تمام آنچه از سوی خدا بر ما و شما نازل شده ایمان آورده‌ایم، و معبود ما و شما یکی است و ما در برابر او تسلیم هستیم.»

بنابراین توسل و توجه به نکات مشترک نه تنها عقلانی است، دستور خداوند و سیره معصومان نیز بوده است. چنانچه گذشت آیه ۶۴ سوره آل عمران و آیه ۴۶ سوره عنکبوت، در برابر اهل کتاب است. پس هنگامی که بین مسلمانان و اهل کتاب مشترکاتی اثر بخش موجود است، مشترکات فرق مسلمان به مراتب بیشتر و اثرگذارتر می‌باشد.

مصلحان مسلمان نیز نسبت به این امر بی‌توجه نبوده و همواره بر آن تأکید داشته‌اند.

شهید مطهری می‌نویسد: فقط سه چیز است که می‌تواند مسلمین را به هم مربوط کند و ملاک وحدت آنهاست. قرآن، رسول اکرم و سیره و تاریخ آن حضرت، کعبه و حج. (۲۳)



و در جای دیگر می‌گوید: جهات اختلاف فرق و مذاهب آن‌قدر زیاد نیست که مانع اخوت اسلامی بشود و جهات اشتراک آنها آن‌قدر زیاد و نیرومند است که می‌تواند آنها را به هم بپیوندد. (۲۴)

### مشترکات

شهید مطهری مشترکات مسلمانان را با عنوان «ملاکها و معیارهای وحدت اسلامی»، به شرح ذیل ارائه می‌کند: الف) اعتقاد به خدا که البته مشترک است با سایر ادیان. ب) قرآن به عنوان کتاب آسمانی و عزیزترین کتابها. ج) سیره و سنت رسول اکرم و احادیث نبوی. د) حج، کعبه، مراسم حج که این فلسفه در آن منظور است. ه) تاریخ مشترک و به هم آمیخته که فی المثل بخاری، ابوحنیفه و غزالی و جوهری ایرانی، مورد احترام مذهبی شمال آفریقا هستند. و) به طور کلی یک فرهنگ هزار ساله مشترک و روحیه مشترک و تربیت مشترک. (۲۵)

آیت الله تسخیری محورهای وحدت را به شرح زیر می‌داند: الف) قرآن کریم. ب) سنت شریف نبوی. ج) مرجعیت تفسیری ائمه اهل بیت (ع) درباره قرآن و سنت. (۲۶)

مشترکات مسلمانان را می‌توان به دو قسم تقسیم کرد: الف) ضروریات دین که ممیز مسلمان از غیر مسلمان است؛ یعنی اعتقاد به اصول دین (توحید، معاد و نبوت) که اساسی‌ترین مشترکات مسلمانان است و فرد به محض اقرار به این سه اصل، مسلمان است و در فقه اسلام، حقوق و تکالیفی بر این عنوان بار می‌شود. عنوان مسلمان که به افراد اطلاق می‌گردد، جامعه مسلمانان را از غیر، جدا می‌کند. ب) سایر مشترکات؛ یعنی حج، قبله و مناسک مشترک، قرآن، اعمال مشترک مانند نماز، روزه، زکات و سایر احکام فقهی مورد اتفاق، محبت و مرجعیت علمی اهل بیت، هزار و چهارصد سال تاریخ، تمدن و فرهنگ مشترک و صدها وابستگی دیگر که مسلمانان را اعضای یک خانواده گردانده است و آشنایی و شناخت آنها موجب نزدیکی مسلمانان به یکدیگر می‌شود.

است چند نمونه نظر علمای مذاهب اسلامی در مورد اسلام و کفر آورده شود: شهید ثانی از فقهای شیعه در تعریف کافر می‌نویسد: «الکافر ضابطه من أنکر الإلهیة أو الرّسالة أو بعض ما علم ثبوته من الدین ضرورة». (۲۷)

ملا علی قاری به نقل از ابوحنیفه می‌گوید: «لا نکفر أحداً من اهل القبلة».

و فخرالدین رازی می‌نویسد: «الکفر عبارة عن إنکار ما علم بالضرورة مجيء الرسول به، فعلى هذا لا یکفر أحد من اهل القبلة». (۲۸)

گذشته از این نکته که خود برای توجه به این راهکار کافی است، سایر مشترکات نیز چه از نظر همکاریهای اجتماعی و چه ایجاد الفت بین مسلمانان، بسیار حائز اهمیت است. با تمام فوایدی که این روش به دنبال داشته است اما در عمل چند آسیب مهم آن را تهدید می‌کند. مهم‌ترین آسیب آن، نادیده گرفتن و ناچیز شمردن اختلافات است که باعث می‌شود این راهکار بین مردم جایگاهی نیابد؛ چون این شبهه را ایجاد می‌کند که هدف تقریب از بین بردن مذهب آنان است.

دومین آسیب، ترس از برخورد با موارد اختلاف است که بیشتر دامن دست‌اندرکاران تقریب را می‌گیرد. ممکن است از ترس به هم خوردن روابط، از پرسیدن سؤالاتی که در ذهنشان به وقوع می‌پیوندد و حتی از جواب سؤالات دیگران پرهیز کنند و می‌دانیم کوچک‌ترین شبهه و نکته تاریک در ذهن، اگر موجب ترس و فرار مسلمانان نشود، به فرموده امیرالمؤمنین (ع) باعث کینه و عداوت می‌شود (۲۹) و این خود آسیب سوم می‌باشد که تولید سوء ظن، کینه، دورویی و بی‌اعتمادی مسلمانان نسبت به یکدیگر است و به گفته شهید مطهری: تهدیدی که از ناحیه سوء تفاهات بیجا و خوب درک نکردن یکدیگر، متوجه مسلمین است بیش از آن است که از ناحیه خود اختلافات مذهبی متوجه آنان است. (۳۰)

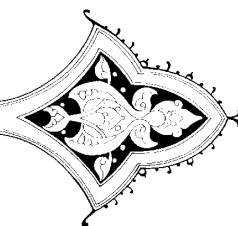
و این آسیب سوم، آسیب چهارمی در پی دارد که در اثر نیافتن جواب منطقی سؤالات، هر فرقه‌ای، ریشه فرقه دیگر را بر آب می‌بیند و هرچند به زبان نیاورد آن فرقه را در دل، گمراه می‌شمرد و خود را حق مطلق می‌داند.

### راهکار سوم: بررسی علمی اختلافات

این راهکار بیان می‌کند، در مسئله تقریب مذاهب، نباید منشأ تنش را نادیده گرفت؛ بلکه برعکس باید مستقیماً با آن روبرو شد و معتقد است خود بررسی علمی این اختلافات،

### نقد و آسیب شناسی راهکار دوم

تأکید بر مشترکات و مخصوصاً اصول دین، جلوی بسیاری از تکفیرها و مباح دانستن خونها را می‌گیرد. در اینجا لازم



می‌تواند عامل تقریب باشد؛ چراکه اولاً منبع رجوع در موارد اختلاف مسلمانان، یکی است و با یک زبان که زبان قرآن و رسول اکرم (ص) باشد سخن گفته می‌شود و ثانیاً منطق مستدلی در پس مذاهب اسلامی نهفته است که گفتگوی علمی در موارد اختلاف را اثربخش می‌گرداند و ما شاهدیم که روزگاری سرزمینهای اسلامی محل درس و مباحثات علمی علمای مذاهب بود و شاگردان هر مکتبی به خوبی با سایر مکاتب آشنا می‌شدند و از هم بسیار تأثیر می‌پذیرفتند.



و نیز شهید مطهری می‌گوید: طرفداری از تز «اتحاد اسلامی» ایجاب نمی‌کند که در گفتن حقایق کوتاهی شود. آنچه نباید صورت گیرد، کارهایی است که احساسات، تعصبات و کینه‌های مخالف را برمی‌انگیزد، اما بحث علمی سروکارش با عقل و منطق است نه عواطف و احساسات... خوشبختانه در عصر ما محققان بسیاری در شیعه پیدا شده‌اند که از همین روش پسندیده پیروی می‌کنند. در رأس همه آنها آیت‌الله سید شرف‌الدین عاملی، آیت‌الله شیخ محمدحسین

کاشف‌الغطاء و آیت‌الله شیخ عبدالحسین امینی مؤلف کتاب شریف‌الغدیر را باید نام برد. (۳۵)

با توجه به سخن شهید مطهری، می‌توان کتاب‌الغدیر و مؤلف آن علامه امینی را نمونه‌ای از روش دانست.

علامه شیخ عبدالحسین امینی (۱۲۸۱-۱۳۴۹ش) با تلاش فراوان، به نگارش کتاب‌الغدیر دست زد و در آن به مسئله خلافت حضرت علی (ع) و نقل روایتهای مربوط به غدیر خم و سایر متون که از طرق غیر شیعه و علمای اهل سنت رسیده است، پرداخت و به بسیاری از شبهات پیرامون تشیع، پاسخ گفت. (۳۶)

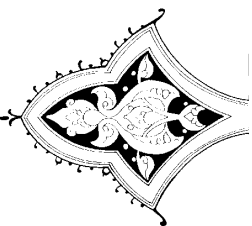
در ظاهر امر، به نظر می‌رسد که پرداختن به قدیمی‌ترین و مهم‌ترین اختلاف مسلمانان، مانع وحدت مسلمانان باشد و همین شبهات بود که باعث شد علاوه بر خود علامه امینی، شهید مطهری در مقاله‌ای با عنوان «الغدیر و وحدت اسلامی» به این شبهه پاسخ گوید و جایگاه این اثر را در وحدت مسلمانان بیان کند: ... نقش مثبت‌الغدیر در وحدت اسلامی از این نظر است که اولاً منطق مستدل شیعه را روشن می‌کند و ثابت می‌کند که گرایش در حدود صد میلیون مسلمان به تشیع - بر خلاف تبلیغات زهراگین عده‌ای - مولود جریانهای سیاسی یا نژادی و غیره نبوده است؛ بلکه یک منطق قوی متکی به قرآن و سنت موجب این گرایش شده است. ثانیاً ثابت می‌کند، پاره‌ای اتهامات به شیعه - که سبب فاصله گرفتن مسلمانان دیگر از شیعه شده است - از قبیل اینکه شیعه غیر مسلمان را بر مسلمان غیر شیعه ترجیح می‌دهد و از شکست مسلمانان غیر شیعه از غیر مسلمانان شادمان می‌گردد، و از قبیل اینکه شیعه به جای حج به زیارت ائمه می‌رود، یا در نماز چنین می‌کند و در ازدواج موقت چنان، به کلی بی‌اساس و دروغ است ... (۳۷)

این روش در صدد است تا شناختی واقعی، مبتنی بر بحث و بررسیهای عقلانی و ادله علمی و منطقی به دست دهد تا مسلمانان در سایه آن، سوءظن‌ها را از بین ببرند و تابع تفکر، علم و برهان منطقی گردند، به هم نزدیک شوند و از تفرقه بپرهیزند و قطعاً بنایی که بر پایه استوار علم و تفکر برپا شود، بنایی نیست که کسی را یارای صدمه زدن به آن باشد. قرآن کریم به انسانها می‌فرماید که یکدیگر را بشناسند (۳۱) و بر گفتگوی علمی و حق‌جویی، بسیار تأکید دارد: «... فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ...» (۳۲) «پس بندگان مرا بشارت ده، همان کسانی که سخنان را می‌شنوند و از نیکوترین آنها پیروی می‌کنند».

آیت‌الله مکارم شیرازی ذیل این آیه می‌نویسد: این آیه که به صورت یک شعاع اسلامی درآمده است، آزاد اندیشی مسلمانان را در مسائل گوناگون، به خوبی نشان می‌دهد. بسیاری از مذاهب، پیروان خود را از مطالعه و بررسی سخنان دیگران نهی می‌کنند؛ چراکه به دلیل ضعف منطق خویش، از این می‌ترسند که منطق دیگران برتری پیدا کند و پیروانشان را از دستشان بگیرد؛ اما به طوری که در آیه خواندیم، اسلام بندگان راستین خداوند را کسانی معرفی می‌کند که اهل تحقیق هستند. (۳۳)

و نیز لازم است مسلمانان گرد هم آیند، هر یک نظر خود را شفاف و روشن همراه با ادله و برهان، بیان کند، دیگران نیز بدون تعصب سخنان او را بشنوند و با محک عقل و منطق بسنجند و در فضای علمی در مورد آن، تفکر و گفتگو کنند و آنچه را که حق می‌یابند، بیان نمایند.

علامه جعفری با اشاره به آیه ۱۷۴ سوره نساء می‌گوید: برهان و نور همیشه رو به سوی الفت و وحدت دارد نه رو به تخالف. (۳۴)



## اختلافات

گذشته از اختلافات طبیعی بشر، مانند نژاد، زبان، رنگ و ... اختلاف در اندیشه و عقیده، از نظر آموزه‌های اسلام به دو بخش تقسیم می‌شود؛ یکی رحمت و دیگری گمراهی و ستمگری. در قرآن کریم اختلافی که پس از آمدن بینه، برهان و علم به حق باشد، مذموم و موجب عذاب الهی است: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ»؛ (۳۸) «و مانند کسانی نباشید که پراکنده شدند و اختلاف کردند؛ (آن هم) پس از آنکه نشانه‌های روشن (پروردگار) به آنان رسید. و آنها عذاب عظیمی دارند».

این نوع اختلاف، مذموم است؛ چراکه پس از روشن شدن حق، نپذیرفتن آن قطعاً از سر هوای نفس، سرکشی و تعصب می‌باشد. اما در مسیر روشن شدن حقیقت، این اختلاف علمی نه تنها مذموم نیست؛ بلکه رحمت است و موجب پویایی و عمق علوم مسلمانان می‌شود.

اختلافات اصلی مسلمانان، به سه زمینه مربوط می‌شود:

۱) فقه: فقه، علم به احکام شرعی فرعی از راه ادله تفصیلی آن است و گاهی به خود احکام شرعی فرعی نیز اطلاق می‌شود. (۳۹)

منظور از ادله تفصیلی، منابع فقه می‌باشد. منابع اصلی فقه، قرآن و سنت است که بین مسلمانان مشترک است و منابع دیگر، اجماع، عقل، قیاس، استحسان، مصالح مرسله و سد ذرایع می‌باشد که در مورد آنها اختلاف نظر وجود دارد. (۴۰) مذاهب فقهی که مستند به کتاب و سنت هستند و به رسمیت شناخته شده‌اند عبارتند از: مذهب حنفی، شافعی، مالکی و حنبلی از اهل سنت و مذهب اثنی عشری و زیدی و بهره از شیعه و مذهب اباضی. (۴۱)

مذاهب اسلامی بر این اتفاق دارند که اجتهاد احکام فقهی جایز و لازم است و هر مجتهدی وظیفه دارد، حکم شارع و یا وظیفه عملی را از کتاب و سنت به دست بیاورد و بر این نیز اتفاق دارند که مجتهد در هر دو صورت رسیدن به حکم صحیح و نرسیدن به آن، نزد خداوند پاداش دارد. باب اجتهاد در اسلام باز است و هیچ مذهبی به خاطر اجتهاد، سرزنش نمی‌شود و این اختلاف نه تنها مذموم نیست؛ بلکه پسندیده و دستور شارع می‌باشد و موجب پویایی فقه اسلامی می‌گردد.

بنابراین نفس اختلاف اجتهادی و فقهی، آسیبی به اتحاد اسلامی و تقریب مذاهب نمی‌رساند و هیچ‌یک از مذاهب مثلاً به دلیل تکتف در نماز یا سجده بر مهر، بر دیگری خرده نمی‌گیرد. البته ناگفته نماند که همین مسائل نیز

شبهاتی به وجود آورده که ناشی از عدم شناخت صحیح است و به خود فقه مربوط نمی‌شود. مانند اینکه شیعه بر بت سجده می‌کند و ... که به راحتی قابل حل است و هر کسی می‌تواند این شبهه را پاسخ گوید و جواب این‌گونه مسائل نیز مسئله غیر قابل قبول و مشکلی نیست.

فقه، عرصه خوبی برای وحدت مسلمانان است و مخصوصاً با مرجعیت علمی ائمه اطهار(ع) موجب نزدیکی مذاهب می‌شود. امام موسی صدر در نامه به مفتی وقت لبنان، شیخ حسن خالد، تحقق وحدت مسلمانان را از دو راه می‌بیند که اولین آن یکی کردن فقه است. ایشان می‌نویسد: ایجاد وحدت در این جزئیات یا نزدیک کردن آنها به یکدیگر، چیزی است که پیشینیان صالح و دانشمندان نیک ما نیز رویای آن را در سر می‌پرورانده‌اند. چنانچه می‌بینیم، شیخ طوسی کتاب «خلاف» را در هزار سال پیش در زمینه «فقه تطبیقی» می‌نویسد. علامه حلی با نوشتن کتاب «التذکرة» راه طوسی را دنبال می‌کند. فقه تطبیقی همان بذر مبارکی است که روش وحدت فقهی بدان بسته است و وحدت احکام شریعت به آن کامل می‌شود. ... گردآوری همه احادیثی که فرق مختلف اسلامی، از نبی اکرم(ص)، در همه

زمینه‌های عقیدتی و احکام شریعت روایت کرده‌اند، بدین منظور که پس از قرآن کریم، مرجع دوم مسلمانان باشد، به عبارت دقیق‌تر کوششی است که در راه یکی کردن سنت پاک پیامبر صورت گرفته است ... آن‌گاه نوبت به نوشتن دایرة المعارف فقهی می‌رسد. (۴۲)

همان‌طور که مشاهده کردید، ایشان تحقق وحدت را از طریق یکی کردن سنت می‌داند.

شیخ محمود شلتوت را نیز می‌توان نمونه موفق این عرصه دانست، ایشان با تأسیس فقه مقارن در دانشگاه الازهر در این راستا گام برداشت و در نهایت فتوای مشهور خود را مبتنی بر اجازه تقلید از فقه چهار مذهب اهل سنت و مذهب شیعه، صادر نمود. (۴۳)

۲) کلام: کلام، علمی است که درباره عقاید اساسی اسلام؛ یعنی آنچه از نظر اسلام باید بدان معتقد بود و ایمان داشت، بحث می‌کند، به این نحو که آنها را توضیح می‌دهد و درباره آنها استدلال می‌کند. (۴۴) مذاهب کلامی اصلی مسلمانان عبارتند از اهل حدیث، معتزله، اشاعره، ماتریدیه و شیعیه (۴۵) که بسته به رویکردهای مختلف نسبت به عقل و نقل، به وجود آمده‌اند.

از آنجا که کلام، با عقاید اساسی اسلام سروکار دارد، اختلافات کلامی به مراتب نسبت به اختلافات فقهی که به فروع مربوط می‌شود، حساس‌ترند و مستقیماً در مورد کفر و ایمان اظهار نظر می‌کنند و به شهادت تاریخ بیشتر نزاعهای خونین از این ناحیه در گرفته است؛ چنانچه جدالهای کلامی در مورد خلق قرآن، دوران محنت را در زمان مأمون عباسی، به وجود آورد.

اختلافات کلامی از آغاز اسلام همواره بین مسلمانان وجود داشته است. اما با در نظر گرفتن تعریف اسلام و کفر، می‌توان دریافت که این اختلافات هر چند جدی باشند، هیچ‌کسی را از دایره اسلام، خارج نمی‌کنند و در مورد دایره اسلام اتفاق نظر وجود دارد.

اختلافات کلامی مسلمانان را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

الف) مسائلی که اصلاً قابل درک بشر نیستند و خود خداوند از جدال و بحث و حتی تفکر در مورد آنها منع کرده است. برای نمونه خداوند در آیه ۸۵ سوره اسراء به پیامبر (ص) می‌فرماید: «و از تو درباره روح سؤال می‌کنند، بگو: روح از فرمان پروردگار من است؛ و جز اندکی از دانش، به شما داده نشده است.»

اُمّه اهل بیت (ع) نیز در روایات بسیاری، مسلمانان را از بعضی بحثهای کلامی منع نموده‌اند. برای مثال امام رضا (ع)

در مسئله حدوث و قدم قرآن، در نامه به یکی از شیعیان فرمود: «ما جدال در قرآن را بدعت می‌دانیم و در این مورد مسائل و مجیب هر دو شریکند، و جز خدا خالق نیست و آنچه ماسوای اوست مخلوق و آفریده است، و قرآن کریم الهی است؛ از پیش خود بر آن اسمی نگذار که از گمراهان خواهی بود.» (۴۶)

بنابراین در بحثهای کلامی، می‌بایست این‌گونه مسائل را کنار بگذاریم؛ چراکه قطعاً نزاع در چنین مسائلی، بی‌فایده خواهد بود.

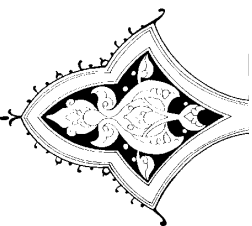
ب) اختلافات لفظی شبهه ساز: بسیاری از اختلافات کلامی، ناشی از برداشت ناصحیح از سخن دیگران هستند. برای نمونه علامه جعفری، در مورد عدالت، می‌گوید: من پس از دو سه ماه تحقیق و مطالعه به این نتیجه رسیدم که گمان نمی‌رود مسلمانی بگوید «ان الله ظالم لعبد»، زیرا «لَيْسَ بِظَلَامٍ لِلْعَبِيدِ»، هیچ تصور نمی‌شود مسلمانی بگوید: «لَمْ تَمْتْ كَلِمَةً رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا»؛ زیرا «تَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا». این زمینه دل‌های همه فرق اسلامی است. مطلبی که به ذهن آمد، این است که عده‌ای از اشاعره می‌خواهند بگویند که انسان نمی‌تواند امر به عدالت کند؛ یعنی انسان نمی‌تواند به خدا بگوید: تو باید عادل باشی ... نکته مهمی که در اینجا باید به آن توجه نمود، اینکه «ما هو معنى العدالة؟». اشاعره در پاسخ به این پرسش گفته‌اند نمی‌دانیم. برخی گمان کرده‌اند این «نمی‌دانیم» به معنای نفی عدالت از خدا است. در صورتی که این گمان، باطل و نابخردانه است. (۴۷)

با توجه به این نمونه ضرورت گفتگو و تحقیق روشن خواهد شد.

ج) مسائلی که واقعاً مورد اختلاف است. در این گونه موارد نیز باید زمینه گفتگو باز باشد و هر یک برهان خود را ارائه کنند که یا قانع کننده است و یا حداقل جلوی سوءظن‌ها و سایر آسیب‌ها را می‌گیرد. امروزه با گرایش به عقلانیت، برخی سوءظن‌ها در مسائل کلامی برطرف شده است و امید می‌رود که در سایر مباحث نیز چنین شود.

۳) تاریخ: حساس‌ترین و اصلی‌ترین نوع اختلافات را می‌توان اختلافات تاریخی دانست؛ زیرا موجب کینه و دشمنی مسلمانان شده است. برای نمونه می‌توان به جانشینی پیامبر (ص)، خلافت علی (ع) و فرزندان، شهادت زهرا (س) و سایر (س) و ... اشاره کرد.

این اختلافات نه قابل چشم پوشی هستند و نه با استدلال منطقی به جایی می‌رسند؛ بلکه مسلمانان می‌بایست در این موارد، تنها با نظر هم آشنا شوند و از جدال و نزاع بر سر





آن، بیهیزند و یکدیگر را معذور دارند.

### نتیجه‌گیری

شناسایی و گزارش راهکارهای موجود در مورد تقریب مذاهب و وحدت، اولاً ظرفیت بالای مسلمانان را در این راه نشان می‌دهد که به برکت اسلام این توانایی‌ها فراهم شده است و ثانیاً امکان آسیب‌شناسی و نیز شناسایی موقعیت استفاده از هر روش را فراهم می‌کند تا با دقت، هر یک را متناسب با زمان و مکان به کار بریم و با نظر در اقدامات پیشگامان این عرصه، نقاط ضعف و قدرت آنها را بشناسیم.

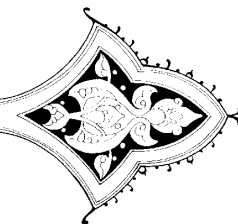
بر مسلمانان واجب است که برای تحقق آرمان وحدت، با درک مسائل جهان، دشمنان اصلی خود را بشناسند، دست استعمارگران را کوتاه و توطئه‌های آنها را خنثی کنند. حول مشترکات عزیز اسلام جمع شوند و به ریسمان الهی چنگ زنند. با احترام متقابل به بررسی اختلافات بپردازند و روحیه حق‌طلبی را در خود تقویت کنند و سخن حق را از هر که بود، بپذیرند.

### نقد و آسیب‌شناسی راهکار سوم

مسلمانان می‌بایست با قدم نهادن در محیط علم و تفکر، توانایی تحمل نظر مخالف و سعه صدر را به دست آورند. بنابراین اصلی‌ترین آسیب احتمالی این روش، تعصب و عدم رعایت اخلاق حسنه و ادب اختلاف است که بهترین راه حل آن، عمل به آموزه‌های قرآن کریم، سیره پیامبر اسلام (ص)، اهل بیت (ع) و علمای بزرگ اسلام است. در این زمینه آثار بسیاری به رشته تحریر درآمده است. قرآن کریم در آیات بسیاری، مسلمانان را از تعصب بر حذر می‌دارد و مسلمانان را به حق‌طلبی و رعایت ادب اختلاف دعوت می‌کند و می‌فرماید: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ...» (۴۸) «با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت نما؛ و با آنها با روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن». بنابراین با توجه به آیه فوق، مسلمانان را به روش نیکو در استدلال و مناظره دعوت می‌نماید.

### پی‌نوشتها

۱. نک: آل عمران، ۱۰۳.
۲. طه، ۹۴.
۳. رک: اتحاد اسلامی در آثار شهید آیت الله مطهری، ص ۲۹.
۴. رک: پیشینه تقریب.
۵. انفال، ۶۳.
۶. نهج البلاغه، خطبه ۱۱۳.
۷. منشور همبستگی، ص ۳۶.
۸. انفال، ۴۶.
۹. تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۲۴۱.
۱۰. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲.
۱۱. رک: سید جمال‌الدین اسدآبادی و بیداری مشرق زمین.
۱۲. بررسی اجمالی نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، ص ۲۹.
۱۳. رک: امام موسی صدر سرورش وحدت، صص ۹۸-۱۰۰.
۱۴. وحدت از دیدگاه امام خمینی، ص ۱۶۲، سخنرانی ۱۳۵۰ش.
۱۵. همان، ص ۱۶۴، ۱۳۵۷/۲/۶ش.
۱۶. همان، ص ۲۱۲، ۱۳۵۸/۶/۶ش.
۱۷. اتحاد اسلامی در آثار شهید آیت الله مطهری، ص ۸۲.
۱۸. امام موسی صدر سرورش وحدت، ص ۱۰۰.
۱۹. خبرگزاری ایسنا، ۱۳۸۸/۳/۱۴ش، کد خبر: ۸۸۰۳-۰۸۱۸۲.
۲۰. منشور همبستگی، ص ۱۹۳.
۲۱. آل عمران، ۶۴.
۲۲. عنکبوت، ۴۶.
۲۳. اتحاد اسلامی در آثار شهید آیت الله مطهری، ص ۶۴.
۲۴. همان، ص ۱۴۶.
۲۵. همان، ص ۱۳۳.
۲۶. درباره وحدت و تقریب مذاهب اسلامی، ص ۶۱.
۲۷. تحرير الروضة في شرح اللمعة، ص ۲۵.
۲۸. رک: فرق و مذاهب کلامی، صص ۲۰ و ۲۱.
۲۹. نهج البلاغه، حکمت ۱۷۲.
۳۰. اتحاد اسلامی در آثار شهید آیت الله مطهری،



۱۴۶. ص ۳۱. نک: حجرات، ۱۳.
۳۲. زمر، ۱۷ و ۱۸.
۳۳. تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۴۱۲.
۳۴. منشور همبستگی، ص ۴۷.
۳۵. اتحاد اسلامی در آثار شهید آیت الله مطهری، ص ۴۲.
۳۶. رک: حماسه غدیر.
۳۷. یادنامه علامه امینی، صص ۲۴۰ و ۲۴۱.
۳۸. آل عمران، ۱۰۵. برای اطلاع بیشتر از دیگر آیات مشابه نک: بقره، ۲۱۳؛ آل عمران، ۱۱۹؛ یونس، ۹۳؛ زخرف، ۶۵؛ جاثیه، ۱۷.
۳۹. مبادی فقه و اصول، ص ۱۵.
۴۰. مباحثی از اصول فقه، ج ۲، منابع فقه.
۴۱. درباره وحدت و تقریب مذاهب اسلامی، ص ۲۱۸.
۴۲. امام موسی صدر سرورش وحدت، صص ۹۸-۱۰۰.
۴۳. رک: شیخ محمود شلتوت طلایه دار تقریب، صص ۱۲۴ به بعد.
۴۴. کلیات علوم اسلامی، ج ۲، ص ۱۳.
۴۵. رک: کلیات علوم اسلامی؛ فرق و مذاهب کلامی.
۴۶. فرق و مذاهب کلامی، ص ۲۱۸ به نقل از توحید صدوق، باب «قرآن ما هو».
۴۷. منشور همبستگی، ص ۴۶.
۴۸. نحل، ۱۲۵.

## کتابنامه

۱. قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
۲. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، نشر مشرقین، ۱۳۷۹ش.
۳. آذشب، محمدعلی، پیشینه تقریب، ترجمه رضا حمیدی، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۸۴ش.
۴. اباذری، عبدالرحیم، امام موسی صدر سرورش وحدت، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۸۶ش.
۵. امینی، علیرضا و آیتی، سید محمد رضا، تحریر الروضة فی شرح اللمعة، قم، نشر طه، ۱۳۸۷ش.
۶. بی آزار شیرازی، عبدالکریم، شیخ محمود شلتوت طلایه دار تقریب، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۸۵ش.
۷. تسخیری، محمدعلی، درباره وحدت و تقریب مذاهب اسلامی، ترجمه محمد مقدس، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۸۳ش.
۸. جاوید موسوی، سید حمید، اتحاد اسلامی در آثار شهید آیت الله مطهری، تهران، صدر، ۱۳۸۶ش.
۹. حکیمی، محمد رضا، حماسه غدیر، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، بی تا.
۱۰. ربانی گلپایگانی، علی، فرق و مذاهب کلامی، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۳ش.
۱۱. فیض، علیرضا، مبادی فقه و اصول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۵ش.
۱۲. محقق داماد، سید مصطفی، مباحثی از اصول فقه، ج ۲، منابع فقه، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۷ش.
۱۳. محیط طباطبائی، محمد، سید جمال الدین اسدآبادی و بیداری مشرق زمین، به کوشش سید هادی خسروشاهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۰ش.
۱۴. مطهری، مرتضی، بررسی اجمالی نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، تهران، صدر، ۱۳۸۶ش.
۱۵. همو، کلیات علوم اسلامی، ج ۲، کلام- عرفان- حکمت عملی، تهران، صدر، ۱۳۸۷ش.
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۶ش.
۱۷. منشور همبستگی (گزیده سخنرانی‌های دومین، سومین و چهارمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی ۱۳۶۷-۱۳۶۹)، قم، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی فقه، ۱۳۷۶ش.
۱۸. وحدت از دیدگاه امام خمینی، تبیان آثار موضوعی، دفتر ۱۵، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۶ش.
۱۹. یادنامه علامه امینی (مجموعه مقالات تحقیقی)، به اهتمام سید جعفر شهیدی و محمد رضا حکیمی، مؤسسه انتشارات رسالت، ۱۳۵۲ش.
۲۰. [www.isna.ir](http://www.isna.ir) خبرگزاری دانشجویان ایران.

